

گفتگو با گیل اشتاین و فرانک هول

بستری جدید برای همکاری‌های علمی بود. پیشنهادهایی از سوی مقامات ایرانی مطرح شد و پیشنهادهایی هم از طرف اشتاین. تا به اینجای کار از مذاکرات چنین بر می‌آید که همکاری‌های جدید در حوزه‌های مختلفی مثل انجام پروژه‌های تحقیقاتی، حفاری‌های باستان‌شناسی مشترک، تبادل دانشجو، انتشار تحقیقات به دو زبان فارسی و انگلیسی و استفاده از تجربیات موسسه شرقی در حفظ اشیای موزه‌های متمرکز خواهد شد.

اما مذاکرات به هر حال تازه شروع شده است و هنوز زود است که تصویری دقیق از همکاری‌های مشترک ارائه شود. فقط این را می‌توان گفت که ایرانی‌ها خواسته‌اند همکاری‌ها کاملاً مشترک باشد این طور نباشد که امریکایی‌ها بیابند، تحقیق کنند، به امریکا باز گردند و حتی نتایج تحقیق را برای ایرانی‌ها نفرستند. اشتاین می‌گوید اساس کار موسسه شرقی نیز بر همکاری مشترک استوار است و همکاری موسسه شرقی با کشورهای دیگر مثل ترکیه و سوریه نیز به همین شکل بوده و به این ترتیب جایی برای نگرانی باقی نمی‌ماند.

او جنوب مرکزی و جنوب ایران را یکی از نقاط تمرکز باستان‌شناسی ایران در سال‌های آینده می‌داند و اعتقاد دارد کند شدن کندوکاوهایی باستان‌شناسی در طی ۲۵ سال گذشته باعث شده تا بخشی از تاریخ ایران میهم بماند و در نهایت تقاطعی مثل بین‌النهرین به جای ایران در جهان بدرخشند. مثال بارز این مسئله جیرفت است. اشتاین در مورد کشفیات تازه جیرفت می‌گوید: «شما تا گمان می‌شوید منطقه وسیعی از ایران، یعنی مرکز و جنوب ایران، یک تمدن را در خود جا داده است و ما تا به حال درباره آن چیزی نمی‌دانستیم.»

شما یکی از مهمترین موسسات باستان‌شناسی ایالات متحده امریکا هستید که در حوزه خاورمیانه کار کرده‌اید. نشانه‌هایی از اولین روستاها، اولین شهرها، کشاورزی و گسترش تمدن‌ها از کشفیات موسسه شما بوده است. چه چیزی موسسه شما را به ایران علاقه‌مند می‌کند؟

دانشگاه شیکاگو و به خصوص موسسه شرقی از مدت‌ها پیش به میراث فرهنگی ایران علاقه‌مند بوده و تلاش‌های گسترده‌ای نیز در این خصوص انجام داده‌اند. همانطور که می‌دانید ما از دهه سی در ایران مشغول حفاری بودیم.

رایرت برینوود از موسسه شرقی نشانه‌هایی از دوران نوسنگی را در سراب کشف کرده است. در «سرخ‌دم» نشانه‌هایی از عصر آهن پیدا کرده‌ایم. تخت جمشید، چشمه علی و استخر، مرکز حکومتی ساسانیان نیز از جمله جاهایی بوده است که همکاران من در موسسه شرقی به حفاری و تحقیق در آنجا پرداخته‌اند. به این ترتیب باستان‌شناسان، مورخان و زبان‌شناسان موسسه شرقی تقریباً در تمام دوره‌های پیش از تاریخ و تاریخ باستان ایران از پنج هزار سال قبل از میلاد مسیح تا اواسط دوره اسلامی کار کرده‌اند. بنابراین شروع دوباره فعالیت‌های تحقیقاتی و همکاری مشترک با همکاران ایرانی‌مان برای ما مثل به وقوع پیوستن یک رویا می‌ماند.

وقتی هر کدام از ما در این همایش [نخستین مجمع بین‌المللی پیوندها فرهنگی کهن در ایران و غرب آسیا] که از ۲۵ تا ۲۷ مرداد ۱۳۸۲ در تهران بر پا بود [پشت تریبون می‌رویم و سیاست‌گذاری خود را بیان می‌کنیم، این فقط «تعارف» نیست [اشتاین کلمه «تعارف» را به فارسی ادا می‌کند] این به طور قطع از صمیم قلب است.

ما می‌دانیم شناخت ایران برای فهم روند توسعه در خاورمیانه و همچنین تمدن جهان تا چه اندازه اهمیت دارد. کند شدن عملیات باستان‌شناسی در ۲۵ سال گذشته مثل این است که بخش بزرگی از تصویر این ناحیه گمشده باشد، یا در تصویری که از خاورمیانه داریم گنجانده نشده باشد. بنابراین ما خیلی خوشحال هستیم که این تحقیقات از سر گرفته شود.

مدخل

نخستین مجمع بین‌المللی پیوندهای فرهنگی کهن در ایران و غرب آسیا علی‌رغم تمامی انتقادهایی که به خاطر نگاه غیر حرفه‌ای و ساده‌انگارانه به مقوله حضور باستان‌شناسان و پژوهشگران خارجی برای مطالعه‌ی تاریخ و فرهنگ ایران و نیز برخورد غیر حرفه‌ای در برپایی مجمع برانگیخت، آثار و تبعات خوبی به همراه داشت. نفس حضور باستان‌شناسان و پژوهشگران خارجی که برای مدتی طولانی و به دلیل ناآگاهی‌ها، ضعف‌ها و نا کارآمدی‌های مدیران ارشد سیاسی و فرهنگی ما در محاق سکوت افتاده بود، اهمیت فراوانی دارد.

مصاحبه با گیل اشتاین و فرانک هول نیز حاصل حضور ایشان در مجمع مذکور است و به همت یکی از اعضای خبرگزاری میراث خیر انجام شده و در پایگاه این خبرگزاری بر روی شبکه جهانی رایانه‌ای (Internet) منتشر شده است. از آنجا که باستان‌پژوهی مجله‌ای تخصصی به شمار می‌رود و اغلب به دست دانشجویان و متخصصین این رشته می‌رسد، بر آن شدیم تا اقدام به درج این گفتگوها نماییم. لازم به توضیح است که دخل و تصرفی در متن اصلی نشده است مگر رفع پاره‌ای اشتباهات که به دلیل ناآشنایی مصاحبه‌کننده با موضوعات باستان‌شناسی رخ داده بود.

گیل جی. اشتاین

گیل اشتاین (Gil J. Stein) رئیس موسسه شرق‌شناسی ایالات متحده امریکا است که نزدیک به ۸۰ سال در خاورمیانه، که اغلب با نام مهد تمدن بشری از آن نام برده می‌شود، به روشن شدن نقاط مبهم‌گنشته بشر کمک کرده است. این موسسه از دهه سی میلادی فعالیت‌های گسترده‌ای را در ایران شروع کرده است. از جمله می‌توان به کاوش‌های تخت جمشید اشاره کرد. فعالیت موسسه شرقی پس از انقلاب در ایران متوقف شد اما این همکاری‌ها از یک سال پیش، اگرچه به شکل محدود دوباره از سر گرفته شده است. اشتاین امیدوار است همکاری‌ها با ایران در زمینه‌های مختلف علمی مثل انجام تحقیقات و حفاری‌های باستان‌شناسی و تبادل دانشجویان از سر گرفته شود.

اشتاین حدود ده روز را به دعوت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ایران گذراند. در این روزها موضوع اصلی صحبت بین مقامات ایرانی و اشتاین ایجاد

امپراطوری هخامنشیان چگونه عمل می کرده است. همانطور که می دانید ایلامی یکی از زبان هایی است که به سختی خوانده می شود و گذشته از آن خود متن که روی کتیبه ها حک شده بسیار سخت خوانده می شود. بنابراین کاری پر زحمت است. مطالعه این کتیبه ها یکی از نقاط تمرکز موسسه شرقی در ۴۰ سال گذشته بوده است.

به هر حال کارهای زیادی است که باید انجام شود. ایران کشور بسیار بزرگی است و ما تازه داریم شروع می کنیم کلیات پیش از تاریخ و روند توسعه تاریخی ایران را درک کنیم و هنوز وارد جزئیات نشدیم.

شما در سخنرانی امروز صبح دکتر مجیدزاده درباره جیرفت دیدید که کشفیات اخیر جیرفت یکی از «کشفیات انقلابی» در باستان شناسی ایران است. و به نظر می رسد این منطقه یکی از نقاطی باشد که در آینده تحقیقات فراوانی را می طلبد. شما ناگهان متوجه می شوید منطقه وسیعی از ایران، یعنی جیرفت در جنوب مرکز و جنوب ایران، یک تمدن را در خود جا داده است و ما تا به حال درباره آن چیزی نمی دانستیم.

آیا از شواهدی که امروز آقای مجیدزاده در سخنرانی خود ارایه کردند، وجود این تمدن جدید قطعی است؟

البته باید بگویم که تحقیقات تازه دارد شروع می شود. ما سال ها درباره این ظروف سنگی که آقای مجیدزاده نشان دادند، اطلاع داشتیم. ظروفی که در بین النهرین پیدا شده بودند، و بسیاری از باستان شناسان مطمئن بودند که این اشیاء از ایران راهی بین النهرین شده اند این را هم حدس می زدیم که این ظروف باید به مرکز یا جنوب مرکزی ایران تعلق داشته باشد. ما فکر می کردیم که این اشیاء تنها برای فروش بوده اند و یک کالای تجاری محسوب می شده اند. اما حالا که سر و کله صدها و صدها ظرف سنگی در قبرستان های قدیم جیرفت پیدا شده، این نشان می دهد یک فرهنگ تکامل یافته در این منطقه وجود داشته است. مثل این می ماند که مثلاً ما تا به حال تمام چیزی که در مورد ایران می دانستیم، فرش های ایرانی بوده است. اما بعد حالا به ایران آمده ایم و متوجه می شویم که ایرانی ها از فرش استفاده هم می کرده اند و در زندگی روزمره شان حضور داشته و بخشی از یک فرهنگ عمیق و زیبا بوده است.

به این ترتیب شما اعتقاد دارید که این ظروف سنگی خبر از یک فرهنگ غنی می دهد؟

در واقع آنچه تا به حال به عنوان یک کالای صادراتی به چشممان می آمد حالا نماینده ای از یک فرهنگ تکامل یافته است. و ما هنوز چیز زیادی در مورد این فرهنگ نمی دانیم، و این همان دلیلی است که باعث شد تا همه از سخنرانی دکتر مجیدزاده به وجد بیایند. چرا که این اولین بار بود که بسیاری آگاه می شدند این ظروف سنگی به کجا تعلق دارد. با توجه به عکس هایی که دکتر مجیدزاده از تپه های باستانی جیرفت به ما نشان داد، در سال هایی که می آید، یا حفاری آن تپه ها ما با مردمانی که این ظروف را ساخته اند، بهتر آشنا خواهیم شد و این تصویر را در یک تصویر وسیع تر از کل ایران می گنجانیم. در واقع این کشفیات به ما کمک می کنند تا ما نقاط خالی را پر کنیم.

فکر می کنید که در کنار جیرفت چه نقاط دیگری از ایران، در سال های آینده هدف باستان شناسان باشد؟

آیا همکاری با ایران دوباره از سر گرفته شده است؟

موسسه شرقی اولین موسسه آمریکایی است که پس از انقلاب اسلامی دوباره کار در ایران را شروع کرده است. دو نفر از همکاران من دکتر عباس عزیززاده از موسسه شرقی دانشگاه شیکاگو و نیکولاس کوچوکوس از بخش مردم شناسی دانشگاه شیکاگو سال گذشته مشترکاً یک کار تحقیقاتی باستان شناسی و یک سری عملیات حفاری را در خوزستان آغاز کرده اند. ما اول از همه امیلواریم که بتوانیم این کار را ادامه بدهیم و این همکاری نقطه آغازی برای یک همکاری سازمان یافته واقعی باشد. همچنین آغاز رابطه ای باشد که در سال های آینده واقعاً شکوفا شود. و ما واقعاً آماده هستیم تا از هیچ تلاشی برای ساختن این رابطه دریغ نکنیم.

آیا در کل به روند فعلی شروع همکاری ها با ایران خوشبین هستید؟ انتظار شما چیست؟ و چه کارهایی باید انجام شود؟

من نسبت به این همکاری خیلی خوشبین هستم و پنج سال دیگر اگر به یادداشت هایی که امروز برمی دارید و وضعیت امروز را روی آن می نویسید نگاه کنید، خواهید دید که راه طولانی ای طی شده است. من نشانه ای را می بینم که مرا خوشبین می کند. رئیس سازمان میراث فرهنگی ایران گفته است که از آمدن ما و همکاری با دانشمندان خارجی استقبال می کند و آنچه من انتظار دارم این است که همکاری ها در بخش های گسترده ای ایجاد شود. این که تبادل دانشجو صورت گیرد این که دانشجویان ایران به ایالات متحده آمریکا و سایر کشورها بروند و فارغ التحصیل شوند و در باستان شناسی و زبان شناسی آموزش ببینند. دوست دارم که ببینم که دانشمندان خارجی به ایران بیایند و یک سال در ایران باشند و در دانشگاه های تهران و شهرهای دیگر تدریس کنند و این که کارهای تحقیقاتی مشترک انجام شود، هرچه ارتباط دو طرف بیشتر شود، برای هر دو طرف منفعت بیشتری ایجاد خواهد شد. آقای خاتمی از گفتگوی تمدن ها می گوید، یکی از بهترین چیزها این است که گفتگوی بین تمدن های مدرن بتواند به ما کمک کند که گفتگوی بین تمدن های کهن را درک کنیم.

به عبارت دیگر، بهتر است دوست باشیم، تا بتوانیم تمدن های کهن را بهتر بشناسیم.

بله، به نظر من بهتر است که یادمان باشد، در دنیای علم، ارتباط همیشه وجود دارد اما آنچه مهم است، این است که بتوانیم این ارتباطات را زنده نگه داریم. در واقع، این ارتباطات به هر حال در ۳۰ سال گذشته زنده مانده اند. در این همایش می بینید و این چیز قشنگی است. به این ترتیب تمام شرایط وجود دارد، و نیت خیر هم هست. دانش فنی هم هست. و این حقیقت که دانشمندان خارجی و ایرانی کلی چیزها دارند که به هم یاد بدهند. و این که یک هدف بسیار شفاف در این بین وجود دارد که شناخت گذشته ایران است.

برای شناخت گذشته ایران چکار باید کرد؟

همکاری علمی ما می تواند در حوزه های مختلفی وسعت یابد. در کنار باستان شناسی، مطالعه تاریخ هنر و مطالعه متون قدیمی نیز خیلی اهمیت دارد. برای مثال همکاران من در موسسه شرقی روی تحلیل و انتشار متون ایلامی تخت جمشید کار گسترده ای انجام داده اند. و همانطور که یکی از همکاران من در سخنرانی خود گفت، حالا مشخص شده که این متون مهمترین منابع مکتوبی هستند که به ما نشان می دهند نظام اداری

همین طور کسی نمی‌تواند ایران را بشناسد بی آنکه مغول‌ها را بشناسد. چرا که ایران امروز ترکیبی از تمام این فرهنگ‌ها است و به این ترتیب یافتن این ارتباطات به عنوان یک اصل مطرح است. و در طول هزاران سال تمدن‌های مختلف خاور نزدیک با یکدیگر به واسطه تجارت، جنگ، مهاجرت و تقلید در واقع قرض گرفتن مهارت‌های دیگری، روی یکدیگر تاثیر گذاشته‌اند. برای مثال به یادداشت‌هایتان نگاه کنید، شما دارید با الفبای عربی به زبان فارسی می‌نویسید. در نهایت چارچوب سازماندهی شده ذهن ما در موسسه شرقی این است که به یک تمدن یا فرهنگ نگاه می‌کنیم. اما باید ویژگی‌های آن را بفهمیم و در عین حال باید آن را در ارتباط با بافت پیرامونی آن نیز نگاه کنیم.

اگر ممکن است کمی درباره فعالیت‌های موسسه شرقی در دانشگاه شیکاگو صحبت کنید.

موسسه شرقی از ۱۹۱۹ میلادی فعالیت خود را در منطقه خاورمیانه شروع کرده است. در مصر، ترکیه و در تمام منطقه خاورمیانه و عملکرد این موسسه در مینای تحقیق و کار تحقیقی مشترک استوار است. ما اعتقاد داریم بهترین نوع کار همین کار مشترک است چرا که همکاری مشترک منافع دو جانبه هم دارد. و با گفتگوی باز و با همکاری مشترک چیزهای زیادی می‌توانیم به یکدیگر یاد دهیم.

استراتژی کلی شما چیست؟

یکی از استراتژی‌های کلی ما توسعه پروژه‌های مشترک است. این که با دانشی که در دست داریم به کشورهای دیگر کمک کنیم و این که همکارانمان را به تبادل ترغیب کنیم. منظور من از تبادل، دانشجو با دانشجو و استاد با استاد است و این که مشترکاً در حوزه‌ها کار کنیم و مشترکاً نتایج تحقیقات را منتشر کنیم. این‌ها چهار روش همکاری است و ما قصد داریم تمام این زمینه‌ها را گسترش دهیم.

مهمترین کارهای موسسه شرقی چه بوده است؟

تقریباً در همه جا کاوش کرده‌ایم. شاید کاوش‌های تخت جمشید یکی از مهمترین کارهایی باشد که موسسه شرقی انجام داده است. ما با اهمیت‌ترین اسناد خطی امپراطوری هخامنشی را کشف کرده‌ایم. در بین‌النهرین گاهنگاری باستان‌شناختی عصر مفرغ را تهیه کرده‌ایم. برخی از مهمترین کاوش‌های شهرهای باستانی بین‌النهرین را انجام داده‌ایم. در مصر، یکی از با اهمیت‌ترین یادگارهای باستانی در نوکسور را ثبت کرده‌ایم. در فلسطین در «میدو» (Megido) حفاری کرده‌ایم که یکی از مهمترین شهرهای باستانی است. در ترکیه، ایران و عراق برخی از مهمترین محوطه‌های پیش از تاریخ را کاوش کرده‌ایم. آقای رابرت برینود یکی از اولین نشانه‌های روستاها را پیدا کرده است که عمدتاً در سراب در ایران و «چای‌اونو» در ترکیه بوده است. در عراق پروفیسور رابرت آدامز حفاری‌های باستان‌شناسی را انجام داده که اولین توسعه شهرنشینی در جهان را مشخص می‌کند. نمی‌خواهم بگویم ما از همه بیشتر کار انجام داده‌ایم، اما تلاش بسیاری کرده‌ایم، ما اولین نشانه‌های کشاورزی شهرنشینی و این که چگونه امپراطوری‌های بزرگ دنیا عمل می‌کردند را مشخص کرده‌ایم.

به خاطر این مصاحبه از شما متشکریم.

من فکر می‌کنم جنوب مرکزی ایران خیلی مهم باشد، البته آنچه که کلی‌تر از این موضوع به ذهن من می‌آید و آنچه از چنین کنفرانس‌هایی نتیجه می‌گیریم این است که باید با نگاهی متفاوت به دنیای باستان نگاه کنیم. ما از مدت‌ها قبل بر اهمیت بین‌النهرین واقف بوده‌ایم. و به مکان‌هایی مثل ایران، ترکیه و سوریه کمتر نگاه کرده‌ایم. اما این که چنین نگاهی داشته‌ایم بیشتر به این علت بوده که شناخت خوبی از این مکان‌ها نداشته‌ایم. و هر چه تحقیقات باستان‌شناسی بیشتری انجام دهیم و بر تعداد حفاری‌ها افزوده شود و متون قدیمی و هنر باستانی این منطقه را مطالعه کنیم، باعث می‌شود که کفه این ترازو تغییر کند و به جای آن که بین‌النهرین مهمترین ناحیه در منطقه باشد، ایران، ترکیه و سوریه اهمیت پیدا کنند. ما تمدن‌های ایرانی را هم می‌بینیم که تا چه اندازه به بین‌النهرین کمک کرده‌اند و این‌طور نبوده که هر چه بوده از بین‌النهرین به سمت ایران جاری شده باشد. این دو منطقه گاه با یکدیگر جنگیده‌اند، گاه تجارت کرده‌اند و به هر حال همیشه نوعی ارتباط جریان داشته است. این موضوع بسیار اهمیت دارد و همانطور که می‌دانید هدف کلی این سمینار این بود که این رابطه‌ها را پیدا کند و آنها را بفهمد.

تحقیقات من روی پیدایش شهرها و حکومت‌های اولیه و پیدایش پادشاهی‌ها متمرکز است که اصطلاحاً «دوره اوروک» نامیده می‌شود و به حدود پنج تا پنج هزار و پانصد سال پیش بر می‌گردد که اولین شهرها شکل گرفتند. در همین زمان اولین شبکه‌های داد و ستد نیز در بین‌النهرین و غرب ایران شکل گرفته‌اند. با شروع همکاری‌های مجدد، حالا ما می‌توانیم روی بخش ایرانی این شبکه داد و ستد نیز مطالعه کنیم. تا به حال اطلاع کمی از این دوره در دست بوده است، در حالی که بخشی از مس و سنگ‌های قیمتی ایرانی‌ها به بین‌النهرین صادر می‌شده است. این نشانه‌ها در نقاطی مثل «تپه قبرستان» یا «تپه سلیک» و یا تپه‌های «رسمان» دیده می‌شود و حالا با مطالعه‌شان می‌توانیم از نحوه زندگی فرهنگ‌های ابتدایی ایران آگاه شویم. تا به حال ما برای فهمیدن این حلقه داد و ستد تنها به نصف آن نگاه می‌کردیم، اما حالا دیگر آن را نیز می‌توانیم مطالعه کنیم.

به این ترتیب آنچه برای شما مهم است، تعامل و رابطه دو سویه بین ایران و بین‌النهرین است.

بله و این که این داد و ستد چگونه روی توسعه این تمدن‌ها تاثیرگذار بوده است. در مجموع می‌توان گفت، در هر نقطه جغرافیایی از ایران و تمام دوره‌های تاریخی امکان بالقوای برای کشفیات بزرگ در سال‌های آینده وجود دارد. چنین به نظر می‌رسد که تعاملات بین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ یکی از حوزه‌های اصلی مطالعات باستان‌شناسی در سال‌های اخیر است. و چنین به نظر می‌رسد که بسیاری از باستان‌شناسان به دنبال یافتن سرنخ‌هایی برای یافتن ارتباطات فرهنگی بین تمدن‌های کهن هستند. برای آن که بفهمید تمدن‌ها چگونه توسعه یافته‌اند، باید شعر شاعر معروف انگلیسی، جان دن، را به خاطر بیاورید که می‌گوید: «هیچ انسانی جزیره نیست». شما به تنهایی وجود نخواهید داشت، و به همین صورت هیچ تمدن و فرهنگی به تنهایی وجود نخواهد داشت. و برای آن که تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف را به درستی بشناسید، باید همه را در یک کاسه نگاه کنید.

یعنی در یک بافت کلی به قضیه نگاه کنید؟

دقیقاً، باید هر تمدن را در بافت پیرامون آن درک کنید. شما چگونه می‌توانید ایران امروز را بشناسید بدون اینکه به دنیای اعراب و اسلام نگاه کنید.

فرانک هول

پرفسور «فرانک هول»، یکی از باستان شناسان برجسته آمریکایی است که اولین بار در سال ۱۹۵۸ به ایران سفر کرد. او یکی از اولین کارشناسانی است که نشانه‌هایی از کشاورزی در ایران را که به هشت هزارسال پیش مربوط می‌شود، یافته است. بیشترین تحقیقات «هول» در ایران، روی اولین نشانه‌های کشاورزی متمرکز شده است.

وی که به منظور شرکت در نخستین مجمع بین المللی پیوندهای کهن ایران و غرب آسیا به تهران سفر کرده و اکنون در تور گردشگری چند شهر از کشورهای به سر می‌برد، در گفت و گو با «میراث خبر» نسبت به ادامه همکاری‌های دو طرفه باستان شناسان ایران و آمریکا خوشبین است و می‌گوید: «این همکاری‌های جدید یک تفاوت با گذشته خواهد داشت به این ترتیب که باستان شناسان ایرانی و آمریکایی اکنون در کنار یکدیگر به همکاری مشترک خواهند پرداخت». هول، کشفیات جدید باستان شناسان در حیرت را خارق العاده می‌داند. این که مشخص شده است در کنار تمدن بین النهرین و عیلامی تمدن دیگری در جنوب ایران وجود داشته که اولین نشانه‌های آن در حیرت پیدا شده است. پرفسور هول امیدوار است که بتواند کارهای ناتمام خود را که از سال ۱۹۷۹ در ایران متوقف مانده است، حالا پس از ۲۵ سال به سرانجام برساند. او قرار است در طول اقامت در ایران، در باره آثار به دست آمده در یک محوطه باستانی خوزستان که در موزه ملی نگهداری می‌شود، تحقیق کند.

دانشجویان باستان شناسی در ایران شما را خوب می‌شناسند و شما ۴۵ سال در حوزه ایران و خاورمیانه مشغول به کار باستان شناسی بوده‌اید، اما مدت هاست که به ایران نیامده‌اید.

۲۵ سال پیش ایران بودم.

از آن زمان تا به حال احتمالاً اتفاقات زیادی در حوزه باستان شناسی ایران رخ داده و تغییرات زیادی صورت گرفته است. کمی درباره این تغییرات برآیند بگویید.

من در نقاط مختلف مثل سوریه و ترکیه کار کرده‌ام و از تغییرات در این کشورها آگاه هستم. اما مدت‌ها است که ایران نبودم و حالا که در جریان این تغییرات قرار می‌گیرم، برایم خیلی جذاب است اتفاقات زیادی رخ داده که من از آنها بی‌اطلاع بوده‌ام. مثلاً این که در این روزها، ایران دوره‌ای پویا از باستان شناسی را می‌گذراند و تعداد دانشجویان این رشته هم در ایران زیاد شده است. با اتفاقات جدیدی که به لحاظ کشفیات باستان شناسی در ایران رخ داده است، به نظر می‌رسد در دهه‌های آینده دوره پویایی از فعالیت‌های باستان شناسی را در ایران شاهد خواهیم بود.

درباره اتفاقات باستان شناسی جدید در ایران کمی بیشتر توضیح بدهید.

کشفیات جدیدی مربوط به ارتباط ایرانیان در هزاره سوم قبل از میلاد مسیح انجام شده است که دامنه آن به شبه جزیره عربستان می‌رسد. این در حالی است که ما چنین کشفیاتی را پیش بینی نکرده بودیم. من همچنین در مجمع بین المللی پیوندهای کهن ایران و غرب آسیا با کشفیات جدید در حیرت آشنا شدم که خارق العاده است. و نتیجه این گزارش‌ها دو ماه دیگر برای عموم مردم اعلام خواهد شد. فکرمی‌کنم که کاوش‌های باستان شناسی جدیدی در این ناحیه شروع خواهد شد.

شما اهمیت حیرت در ایران را در چه ابعادی می‌دانید؟

هزاره سوم پیش از میلاد در ایران بسیار مهم و گسترده است، در این دوره آثار هنری فراوان و مهمی وجود دارد. تا به حال گفته می‌شد که بین النهرینی‌ها و ایلامی‌ها تمدن‌های شاخص این دوره بودند، اما با کشفیاتی که به تازگی در جنوب ایران و در حیرت انجام شده است، تمدن جدیدی آشکار شده است که اهمیت آن کمتر از بین النهرین و تمدن ایلامی نیست.

چه چیزی در باستان شناسی ایران برایتان جذاب است؟

شخصاً ناحیه زاگرس را ترجیح می‌دهم. به خصوص که در این ناحیه مثلاً در «علی کش» دهلران اولین نشانه‌های کشاورزی ایران به دست آمده است.

در گذشته، فعالیت‌هایتان در ایران چه بوده است؟

من اولین بار پس از آن که از دانشگاه فارغ التحصیل شدم در سال ۱۹۵۸ به ایران آمدم. در این موضع زیر نظر پروفیسوری از دانشگاه شیکاگو تحقیقاتی انجام می‌دادیم. همچنین در ناحیه سراب تحقیقاتی را پی گرفتیم که منجر به کشف اولین نشانه‌های کشاورزی مربوط به هشت هزار سال پیش در ایران شد. پس از آن که در این رشته به درجه دکترا دست یافتیم، در محوطه‌ها Paleolithic ایران در غاز «کونجی»، «یافته» و «پاسنگر» در خرم آباد تحقیقات خود را ادامه دادم.

پس از انقلاب اسلامی و با قطع همکاری‌های ایران و آمریکا شما دیگر به ایران نیامدید، آیا این به‌منزله پایانی برای مطالعات باستان شناسی شما درباره ایران بود؟

دوست داشتم فعالیت‌هایم را ادامه بدهم. اما انقلاب شد و نمی‌توانستم اما در این مدت کتابها و جزوه‌های مختلفی را درباره ایران به چاپ رسانده‌ام و امیدوارم بتوانم کارهای نیمه تمام خود را ادامه بدهم.

کارهای نیمه تمام شما شامل چه مواردی می‌شود؟

انجام تحقیقات در یکی از محوطه‌های باستانی در خرم آباد، و یا مطالعه اشیای به دست آمده در یکی از محوطه‌های باستانی خوزستان که هم اکنون در موزه‌ای در خوزستان نگهداری می‌شود.

همکاری‌های دوباره ایران و آمریکا در زمینه باستان شناسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این همکاری‌ها از یک سال پیش در ایران شروع شده است و برخی از همکاران من در بخش شرق شناسی دانشگاه شیکاگو، همکاری‌هایی را با ایرانی‌ها شروع کرده‌اند. یکی از ویژگی‌های این همکاری‌های جدید، این است که سابق بر این و قبل از انقلاب کارهای باستان شناسی در محوطه‌های باستانی که آمریکایی‌ها حضور داشتند، تمام کارها توسط آمریکایی‌ها انجام می‌شد، اما همکاری‌های جدید، براساس همکاری‌های دو جانبه استوار خواهد بود و باستان شناسان ایرانی و آمریکایی در کنار یکدیگر کار خواهند کرد. و یکی از زمینه‌هایی که جای گسترش دارد، استفاده از علوم مثل گیاه شناسی، زمین شناسی و جانورشناسی در باستان شناسی است که باید در جریان حفاری‌ها از این علوم بهره بیشتری گرفته شود.

گفتگوها: برمک بهرمنند

به نقل از خبرگزاری میراث خبر